



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۲۶

م اسحاق نگارگر

خون های ریخته شده نیز فدای گل روی هر دو

چرا بینی تو این سان بزرگ است
چرا نام سگ این باغ گرگ است

میگویند دزدی برای انگور دزدی در باغ مردی رفت و سرگرم غارت کردن انگور بود که باغبان سر رسید و فریاد کرد: «به چه دلیل اینجا آمده ای و چرا انگور مرا می دزدی؟» انگور دزد که به اصطلاح دزد به پشتاره گیر آمده بود راه مغالطه و کج بحثی را در پیش گرفت و از باغبان پرسید: «چرا بینی تو این قدر بزرگ است و چرا نام سگ باغ را که به هیچ وجه گرگ نیست؛ گرگ مانده ای؟»

میگویند نماینده آمریکا که در قطر مشغول مذاکره با طالبان است با طالبان موافقه کرده است که آمریکا در ظرف هژده ماه قوای خود را از افغانستان میکشد و طالبان هم تضمین میکنند که ریشه القاعده و داعش را از افغانستان بیرون میآرند و بدین ترتیب هر دو به آرزوی خود میرسند و خون های ریخته شده نیز فدای گل روی هر دو و انگور های باغبان نیز که به تاراج رفته است و آنچه رفته است اندوه و تأسف را نشاید.

نخستین انگور دزد که در باغ افغانستان داخل شد اتحاد جماهیر شوروی وقت بود که به پشتیبانی کودتای ثور آمد و بر مردم بمباری کردن گرفت و وقتی برایش گفتند که چرا در این باغ آمده ای و ما با تو چه بدی کرده ایم که خون مرا در خانه خود ما می ریزی. آن دزد دیده در گفت و چوکره هایش به دنبال او تکرار کردند که این جا یعنی در باغ تو امپریالیزم آمریکا؛ شوونیزم چین و ارتجاع ایران و پاکستان آمده اند و انگور های ترا می دزدند و من آمده ام که از تو و انگور های تو دفاع کنم و کودتای صاف و ساده را برایت «انقلاب برگشت نا پذیر ثور» بسازم. ده سال جنگید و یک دریای آمو خون ریخت ولی «انقلاب برگشت نا پذیر» همانند سکه نا چل تابه برگشت خورد و شوروی هم که کمر اقتصاد خود را شکسته بود قمار جنگ سرد را باخت و مستعمراتش آزادیهای خود را جشن گرفتند و ما نه از این انگور دزد تاوان انگور های خود را گرفتیم و نه متجاوز را به یک محکمه بین المللی کشانیم و فقط صبوری پیشه کردیم.

انگور دزد دوم پاکستان بود که گروه های خود ساخته مجاهدین را میان خود شان به جنگ انداخت و خود برخوردار سوار شد و با خاطر آسوده انگور باغ را دزدیدن گرفت. آن گروه ها نتوانستند یک دولت قوی و منضبط به وجود بیاورند و بنابر این دروازه های باغ چار پلغه باز ماند و میدان برای تروریست ها شغالی شد. پاکستان دید که دیگر دولتی در افغانستان وجود ندارد که از منفعت او در برابر رفییش هند دفاع کند بنابر این طالبان را سازمان داد و به جنگ مجاهدین سابق فرستاد. یکی طلبه کرام شد و دیگر جبهه مقاومت و یکدیگر را کشتن گرفتند تا آسامه بن لادن از این وضع استفاده برد و توره بوره را کمینگاه گرفت و به جنگ آمریکا رفت. طالبان سقوط کردند و آمریکا و قوای ناتو در افغانستان ریختند و این مدعیان دموکراسی و حقوق بشر یک روز هم بدین فکر نیفتادند که از باغبان بیچاره یعنی مردم افغانستان بپرسند که تو چه می خواهی در نتیجه یک رئیس جمهور را تحمیل کردند و پس از سیزده سال او نتوانست یک اساس محکم به وجود بیاورد. تقلب در انتخابات سکه رایج روز گردید و بازار انفجاری و انتحاری رونق پیدا کرد و مردم را کشتن گرفت. باز آمریکا منفی ترین گام ممکن خود را برداشت و به اساس یک توافق پوشالی یک دولت دوسره را بر مردم تحمیل کرد که به اصطلاح نه مرد راه آخرت بود و نه هم زن دنیا. من امروز هم وقتی میشنوم که فلان کاندید ریاست جمهوری به این یا آن صاحب نفوذ قومی یا مذهبی غدر و زاری میکند که در مسیر رسیدن به قدرت او را پشتیبانی کنند یا کم از کم برایش دست دعا بالا کنند به حال باغبان بیچاره دلم میسوزد که خوب «حق» انتخاب دارد.

حالا که آمریکا پذیرفته است که در هژده ماه بار و بستر خود را ببندد و دنبال کار خود برود خوب است برود ولی به اصطلاح دستاوردش چیست؟ یک دولت دوسره ضعیف و گرفتار نفاق که طالبان آنرا به رسمیت نمی شناسند و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

دست نشانده امریکا میخوانند و اگر در میدان پیکار با طالبان تنها بماند به اعتراف رهبران سه روز هم تاب مقاومت ندارد. آری این دزد نیز به دنبال کار خود می رود ولی باغبان بیچاره که انگورهای باغش چندین بار به تاراج رفته است چه دارد؟ هیچ! بزرگان بی جا نگفته اند که:

«رفتن به پایمردی بیگانه در بهشت حقا که با عقوبت دوزخ برابرست.»

فاعتبروا یا اولی الابصار
نگارگر ۲۶ جنوری ۲۰۱۹ برمنگهم